

چهاره به چهاره

سهمیه فوتبال ایران در مسابقات قاره‌ای افزایش خواهد یافت

طلوع دوباره در آسیا

نگار رشیدی

گاهی اوقات، بزرگ‌ترین موفقیت‌های یک کشور نه در زمین بازی خودی، بلکه در کیلومترها دورتر و در جریان مسابقات قبه‌ای منطقه‌ای رقم می‌خورد. شب تلخ الاهلی قطر در برابر النصر عربستان در لیگ قهرمانان آسیا، برای فوتبال ایران حکم یک جتک ملی غیر منتظره را داشت. شکست سنگین پنج بر یک قطری‌ها، نه تنها پرونده آنها را در آسیا بست، بلکه تیر خلاص را به رویاهای این کشور برای سبقت گرفتن از ایران در رکنیک AFC زد. حالا با قطعیت می‌توان گفت که ایران سکوی سوم غرب آسیا را با اقتدار حفظ کرده‌است.

برای سال‌ها، سهمیه‌های آسیایی ایران با مالو‌اگرهای فراوان همراه بود. حضور در پلی آف‌های نفس گیر و اضطراب حذف در اولین گام، بخشی از خاطرات تلخ نمایندگان ما بود. اما حالا ورق برگشته‌است. با تثبیت رتبه سوم، ایران برای فصل ۲۸-۲۰۲۷ سهمیه ۲۰۱ لیگ نتخبگان را در جیب دارد و با این یعنی آرامش بیشتر برای باشگاه‌های ایرانی. اما این تمام ماجرا نیست؛ طوفانی از تغییرات در راه‌است. خبرهای رسیده از کنفدراسیون فوتبال آسیا، نویدبخش یک تحول ساختاری بزرگ‌است. پیشنهاد افزایش تیم‌های لیگ نتخبگان از ۲۴ به ۲۲ تیم، یک فرصت طلایی برای فوتبال ایران‌است. اگر این طرح نهایی شود، فصل ۲۷-۲۰۲۶ شاهد یک جهش بزرگ خواهیم بود. به جای درگیری در مراحل حذفی و پلی آف نمایندگان ایران مستقیم‌به‌قلب‌قیامت‌های نتخبگان می‌روند. تصور کنید؛ دیگر خبری از ترس حذف در بازی تک‌حذفی نیست؛ استقلال و تراکتور و حالا رقیب‌های دیگر، با خیالی آسوده دور گوهی خواهند درخشید.



اگر تا پیش از این، سقف آرزوهای مادر آسیا محدود بود، حالا با تغییرات جدید، ایران می‌تواند سه سهمیه مستقیم در لیگ نتخبگان و یک سهمیه در سطح دوم برسد. این یعنی حضور چهار نماینده قدرتمند در قاره کهن. این اتفاق، نه تنها اعتبار فوتبال باشگاهی ما را بالا می‌برد، بلکه جذابیت لیگ برتر را به اوج می‌رساند. وقتی بتوانید قهرمانی یا حتی کسب رتبه‌های بالای جدول لیگ بیست‌وششم، بلیط مستقیم حضور در بزرگ‌ترین تورنمنت آسیا‌ست، هیچ تیمی دیگر به کمتر از پیروزی رضی نخواهد شد.

فدراسیون فوتبال اکنون با یک چالش شیرین روبه‌روست. فرمول توزیع سهمیه‌ها باید طوری چیده‌شود که عدالت رعایت‌شود. محتمل‌ترین سناریو، اختصاص سهمیه‌های لیگ نتخبگان به سه تیم برتر لیگ و سطح دوم به قهرمان جام حذفی است. این یعنی فصل آینده لیگ برتر، نه یک مسابقه معمولی، بلکه یک ماراژن نفس‌گیر برای رسیدن به قاره کهن خواهد بود. تماشاگران باید آماده باشند؛ چرا که هفته‌بازی‌ها حکم فینال را خواهند داشت.

فوتبال ایران در حال عبور از یک پیچ تاریخی است. از روزهایی که برای یک سهمیه ساده‌می جنگیدیم، حالا به جایی رسیده‌ایم که آسیا باید برای نمایندگان ما در دور گوهی، مسئولی‌های بیشتری رزرو کند. این آفاق درتمنایی در رکنیک، می‌تواند به زودی به یک قهرمانی در لیگ نتخبگان تبدیل‌شود؟

فوتبال داخلی

بررسی پولیسی‌ها به دنبال مدیر جدید می گردند

پایان دوران پیروانی

در روزهایی که گفتگوی عمومی کشور تحت تاثیر تنش‌های سیاسی و حمله به خاک ایران قرار داشت، سفر ناگهانی افسین پیروانی، مدیر سابق سابقه پرسپولیس به آمریکا جرقه‌ای شد که آتش بزرگ بدنه باشگاه پرسپولیس بلد گشت. این سفر که حساس‌ترین مقطع زمانی انجام‌شده، نه تنها با واکنش تند هواداران روبه‌رو شد، بلکه از کان مدیریتی باشگاه را نیز در موقعیتی دشوار قرار داد.

پیروانی که سال‌ها به عنوان نمادی از وفاداری به پیراهن سرخ شناخته می‌شد، این بار در گردابی از انتقادات گرفتار شد که خروج‌از آن برایش غریب مسابقه به نظر می‌رسید. آغاز ماجرا از ۱۷ فورورد ماه کلیدخورد؛ زمانی که باشگاه پرسپولیس در بیانیه‌ای رسمی، ضمن محکومیت غیرمستقیم این سفر و عدم تایید آن، همکاری با پیروانی را تا اطلاع ثانوی به حالت تعلیق درآورد. بسا این حال، تعلیق تنها پیش‌درآمدی بر پایان کار بود. منابع نزدیک به باشگاه خبر می‌دهند که محرم کرکلی پیروانی اکنون نهایی نشده و مهر پایان بر همکاری او با سرخ‌پوشان پایتخت خورده‌است. عدم بازگشت به موقع او به ایران در زمان برگزاری تمرینات، تیر خلاصی بود. بر شایعاتی که از همان ابتدایر جدایی فریب‌الوقع او دلالت داشتند.



مدیران پرسپولیس اکنون در وضعیتی قرار دارند که باید برای یکی از صندلی‌های کلیدی خود، به دنبال چهره‌ای تازه باشند. با توجه به تعطیلی مسابقات لیگ برتر و تمرکز جامعه فوتبال بر نتب و تاب جام جهانی ۲۰۲۶، باشگاه پرسپولیس فعلا عملیه‌ای برای معرفی جانشین ندارد. مدیریت باشگاه در حرج می‌دهد در فضایی آرام‌تر و پس از فروکش کردن هیاهوی جام جهانی، گزینه‌های جایگزین را بررسی کند.

این جدایی، فراتر از یک تغییر مدیریتی ساده، نقطه عطفی در تاریخ معاصر پرسپولیس به‌شمار می‌رود؛ جایی که مرز میان منافع شخصی و تعهدات حرفه‌ای در یک باشگاه بر طر فدار، به‌سادگی می‌تواند سرنوشت یک مدیر را تغییر دهد. حالا پیروانی باید از دور به نظر در تیمی باشد که سال‌ها در متن حوادثش حضور داشت، در حالی که هواداران در انتظار دیدن چهره‌ی کسی‌سکان‌دار امور اجرایی این تیم در فصل پیش‌رو خواهند بود.

صاحب امتیاز: موسسه اطلاع‌رسانی و خبرگزاری ایلنا

مدیر مسئول: مسعود حیدری

زیر نظر شورای سردبیری

مدیر بازرگانی و روابط عمومی: مرتضی بلوکی

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷

نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نرسیده به روانپنر، پلاک ۱۳۲

نشانی سایت: toseirani.ir

ایمیل: toseirani@gmail.com

تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰

اینستاگرام: @tosee_irani

شماره ۲۱۶۲ / شنبه ۵ اردیبهشت ۱۴۰۵ / ۷ و ۵والقعه ۱۴۴۷ / ۲۵ آوریل ۲۰۲۶



افزود: «همی داثم این تفکر از کجا آمده است مگر اینکه ایران تصمیم بگیرد که به ایالات متحده نیاید و ایتالیا جای آنها را پر کند. آنها خودشان می‌توانند تصمیم بگیرند که نیایند.»

این اظهارات در حالی مطرح می‌شد که سابقه کارشکنی‌های آمریکا در قبال فوتبال ایران روشن است. تنها چهار ماه پیش و قبل از مراسم قرعه‌کشی جام جهانی، دولت آمریکا در خواست و بزی‌ای تعداد زیادی از اعضای کاروان فدراسیون فوتبال ایران را رد کرد و حتی از صدور ویزا برای مربی تیم ملی نیز امتناع ورزید؛ اقدامی که در نوع خود بسیار عجیب بود. اکنون با این اظهارات دو گانه روبه‌و، مشخص نیست آیا باز یکنان مورد نظر کادرفنی به‌طور کامل دیده‌جاگزینی ایران با ایتالیا غافلگیر کردند. ترامپ که مشخصاً از این پرسش خبر بی‌نظر می‌رسید

و اطلاعات دقیقی نداشت، با خنده پاسخ داد: «من خیلی به آن فکر نمی‌کنم. بگذار کمی درباره آن فکر کنم. واقعا می‌خواهند این کار را بکنند و درباره تعویض تیم‌ها فکر می‌کنند؟» خنده‌های خیرنگاران نشان از پوچ بودن این بلوای سیاسی داشت. سپس ترامپ برای رهایی از این مخمصه، مارکو روبیو، وزیر امور خارجه خود را که پشت سرش ایستاده بود، با لحنی خاص صدا زد: «مارکو... نظری درباره آن داری؟» مارکو روبیو سعی کرد فضا را تلطیف کند اما اظهاراتی پر از تناقض بود. او گفت: «هیچ چیزی از طرف آمریکا نیست که بگوید آنها نمی‌توانند بیایند.» مدعی شد که آمریکا «مشکلی با ورزشکاران ایران» ندارد. روبیو، وزیر امور خارجه خود را که پشت سرش ایستاده بود، با لحنی خاص صدا زد: «مارکو... نظری درباره آن داری؟» مارکو روبیو سعی کرد فضا را تلطیف کند اما اظهاراتی پر از تناقض بود. او گفت: «هیچ چیزی از طرف آمریکا نیست که بگوید آنها نمی‌توانند بیایند.» مدعی شد که آمریکا «مشکلی با ورزشکاران ایران» ندارد. روبیو،

و در آن سوی میدان، فوتبال‌ایتالیادرسی بزرگ را مرور می‌کنند؛ درسی که گل‌لاندو به زیبایی آن را خلاصه کرده؛ اعتبار و شکوه ورزشی را نه می‌توان با لایه‌گیری در راهروهای کاخ سفید خرید و نه می‌توان به عنوان یک هدیه سیاسی از دستان رئیس‌جمهور یک کشور دیگر پذیرفت. جام جهانی متعلق به کسانی است که آن را در زمین چمن به دست می‌آورند.

مصدومیت‌های عسلاتی همسرتینگ، به خصوص برای بازیکنی در این سن که هنوز در مرحله تکامل فیزیکی قرار دارد، خطر عود مجدد به شدت بالاست. کادر پزشکی با یک دوراهی مرگبار روبه‌روست؛ آیا ریسک استفاده از او را در مرحله گروهی به‌جان می‌خرند و آینده این جوان را برای همیشه به خطر می‌اندازند؟ یا فوتبال جهان باید بزرگ‌ترین فستیوال خود را بدون حضور هیجان‌انگیزترین پدیده سال‌های اخیرش بر گزار کند؟ در اینجا باید کمی عمیق‌تر و فراتر از تیرته‌های خبری به ماجرانگاه کرد. داستان تلخ مصدومیت یامال، صرفاً روایت بدشانسی و یک عضله پاره شده نیست؛ این یک کبفرخواست اعتراضی علیه سیستم صنعتی، پول‌محور و بی‌رحم فوتبال برتر است. وقتی به روایت‌های دراماتیک اسطوره‌هایی چون لیونل مسی و مسیبر پیچ‌وخم آنها برای تبدیل‌شدن به قهرمان نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که آنها در سال‌های ابتدایی حضورشان در مستطیل سبز، فرصت تنفس و تطبیق با فشارهای فیزیکی را داشتند. اما ماشین‌برحم امروز فوتبال، هیچ صبری ندارد. تقویم‌های فشرده فیفا و یوفا، تورنمنت‌های پیاپی و حمله‌طلبی‌های اقتصادی باشگاه‌ها، استعدادهای جوان را پیش از آنکه استخوان برتر کنند، زیر چرخ‌دنده‌های خود له می‌کند. یامال، پدری، گاوی، آنسوفا‌تی و خیلی‌های دیگر، این لیست بلندبالای قربانیان تفکری است که از یک نوجوان ۱۸ساله انتظار دارد در یک فصل در بیش از ۶۰ مسابقه با بالاترین شدت ممکن بازی کند، جور کمبودهای مدیریتی و تاکتیکی باشگاه را بکشد و هم‌زمان ناجی مطلق کنشورش باشد.

ما در حال تماشای فرسایش بی‌رحمانه استعدادها در پیشگاه محراب موفقیت‌های زود هنگام هستیم. پسری که در حالت طبیعی باید دغدغه‌های ساده یک جوان را داشته باشد، حالا زیر بار انتظارات دهه‌میلیون‌هوادار و قرار دادهای سنگین حامیان مالی در حال خرد شدن است. آیا منصفانه است که تاوان تقویم فشرده و جاه‌طلبی‌های بی‌پایان مدیران را، همسرتینگ خسته و بدن در حال رشد یک نوجوان پس بدهد؟ این همان رویه تاریک و ناگفته ورزش قهرمانی است که در پس زرق و برق جام‌ها پنهان می‌ماند؛ جایی که سلامت انسان فدای سرگرمی می‌توده‌های شود.

لامین یامال در پیمایی احساسی خطاب به هوادارانی که در شوک فرورفته‌اند، نوشت: «این مصدومیت مرا از زمین دور نگه می‌دارد، در دست در زمانی که بیش از همیشه می‌خواستم آنجا باشم و این بیشتر از چیزی که بتوانم در کلمات بیان کنم، دردناک است. اما این پایان نیست، فقط یک وقفه است. با اراده‌ای بیشتر از همیشه برمی‌گردم.» این کلمات، فراتر از یک شعار دلخوش‌کننده، تلاشی است برای ایستادگی در برابر طوفانی که رویاهای یک جوان و یک ملت را در هم کوبیده‌است. برای هواداران فوتبال، این روزها پر از دلهره، بغض و سکوت است. همه ماقط می‌توانیم امیدوار باشیم که این وقفه، نقطه پایانی بر درخشش یکی از خالص‌ترین و زیباترین استعدادهای قرن نباشد. یامال بدون شک باز خواهد گشت. اما ای کاش فوتبال بیاموزد که پیش از پرستش و ستایش هنرمندانش، از آنها در برابر هیولای سوری‌ناپذیر درون خود محافظت کند.

جایگزینی از قاره اروپا (ایتالیا) نخواهد بود. فیفا برای حفظ سهمیه قاره‌ها، تیمی از آسیا را جایگزین خواهد کرد و شانس اصلی متعلق به تیم ملی امارات است؛ تیمی که در فینال پلی آف آسیایی مغلوب عراق شد و از صعود مستقیم بازماند. این گزارش نشان داد که پیشنهاد زامپولی از همان ابتدانه تنها غیر اخلاقی، بلکه از نظر قوانین و رویه‌های فوتبالی نیز کاملاً نامربوط و غیر قابل اجرا بوده‌است.

پس از ۴۸ ساعت طوفانی، آتش این جنجال سرانجام به قلب واشنگتن، حیاط کاخ سفید رسید. در حاشیه مراسم مربوط به مذاکرات رژیم صهیونیستی و لبنان، خبرنگارانی که به کاخ سفید رفته بودند، دونالد ترامپ را با سوالی مستقیم درباره ایده جایگزینی ایران با ایتالیا غافلگیر کردند. ترامپ که مشخصاً از این پرسش خبر بی‌نظر می‌رسید و اطلاعات دقیقی نداشت، با خنده پاسخ داد: «من خیلی به آن فکر نمی‌کنم. بگذار کمی درباره آن فکر کنم. واقعا می‌خواهند این کار را بکنند و درباره تعویض تیم‌ها فکر می‌کنند؟» خنده‌های خیرنگاران نشان از پوچ بودن این بلوای سیاسی داشت.

سپس ترامپ برای رهایی از این مخمصه، مارکو روبیو، وزیر امور خارجه خود را که پشت سرش ایستاده بود، با لحنی خاص صدا زد: «مارکو... نظری درباره آن داری؟» مارکو روبیو سعی کرد فضا را تلطیف کند اما اظهاراتی پر از تناقض بود. او گفت: «هیچ چیزی از طرف آمریکا نیست که بگوید آنها نمی‌توانند بیایند.» مدعی شد که آمریکا «مشکلی با ورزشکاران ایران» ندارد. روبیو،

روزنامه اسپانیایی فاش کرد که حتی در صورت انصراف احتمالی و محال ایران، گزینه جایگزینی از قاره اروپا (ایتالیا) نخواهد بود. فیفا برای حفظ سهمیه قاره‌ها، تیمی از آسیا را جایگزین خواهد کرد و شانس اصلی متعلق به تیم ملی امارات است

چهار قهرمانی جهان توجیه‌کننده این جایگزینی است، نوشت: «این افتخارات باید باعث شرمساری از حتی مطرح شدن چنین ایده‌ای شود، نه حضور در جام جهانی بدون شایستگی.» او این اقدام را معادل خریدن مدرک دانست و هشدار داد: «در همان لحظه‌ای که ورزش، دموکراسی زمین بازی را کنار بگذارد، می‌میرد.» گل‌لاندو همچنین به دفاع از حقوق بازیکنان ایرانی پرداخت و تاکید کرد که آنها با شایستگی صعود کرده‌اند، در حالی که برای ادعای دفاع از حقوق دردم‌شان جوان خود و خانواده‌شان را به خطر انداخته‌اند و حذف آنها به دلیل جنگی معنی است، زیرا ورزش یعنی صلح. او با پایان پیمایی تاریخی به نسل جوان فوتبال ایتالیا داد: «افتخار مثل عشق، نه زدند می‌شود و نه گدایی، بلکه باید آن را به دست آورد.»

در پی این جنجال سازی‌ها، سفارت جمهوری اسلامی ایران در ایتالیا با انتشار بیانیه‌ای در شبکه اجتماعی ایکس (تویتر سابق) به شدت به این سنسار تند تر نشان داد. او با ابراز انزجار از این ایده گفت: «مروز خواندم که فرستاده ترامپ چنین درخواستی کرده است؛ به نظرم این شرم‌آور است. من خجالت می‌کشم.»

اما شاید وی‌ران کننده‌ترین واکنش به این کودتای سیاسی را لوتیچی گل‌لاندو، نویسنده سرشناس نشریه معتبر گاتز تا دلو اسپورت (مهم‌ترین رسانه ورزشی ایتالیا) به رشته تحریر درآورد. او این ایده را که شایستگی در زمین جای خود را به لایه سیاسی بدهد، نشانه سقوط ارزش‌های ورزشی دانست. گل‌لاندو در پاسخ به ادعای زامپولی مبنی بر اینکه

زامپولی برای ترمیم روابط آسیب‌دیده ترامپ و ملونی، ایده‌ای حیرت‌انگیز را روی میز گذاشت. او در گفت‌وگو با روزنامه فایننشال تایمز صراحتاً بیان کرد که به ترامپ و جیانی اینفانتینو، رئیس فیفا پیشنهاد داده‌است که ایتالیا در جام جهانی جایگزین ایران شود

هم‌زمان با این تنش‌ها، رسانه‌ها منتظر واکنش فدراسیون جهانی فوتبال بودند. رویتز بلافاصله با فیفا، کاخ سفید و فدراسیون‌های دو کشور تماس گرفت اما پاسخی در یافت نکرد. با این حال، طبق قوانین فیفا، این نهاد در صورت انصراف ماحرحومیت یک تیم، اختیار کامل برای انتخاب تیم جایگزین را دارد. اما طولی نکشید که شبکه بی‌بی‌سی آب‌پاکی

را روی دست آمریکا لی‌های ریخت و اعلام کرد فیفا هیچ برنامه‌ای برای جایگزین کردن ایتالیا به جای ایران ندارد. در واقع، جیانی اینفانتینو هفته گذشته موضع نهایی خود را روشن کرده و گفته بود: «تیم ایران قطعاً خواهد آمد.»

نکته جالب‌تر ماجرا، افشاگری روزنامه اسپانیایی ال پائیس بود. این نشریه ی فاش کرد که حتی در صورت انصراف احتمالی و محال ایران، گزینه

صبح روز پنجشنبه، در مرکز تمرینی خوان گمپر، چهره‌های نگران و سکوت سنگین رختکن، پیش‌درآمدی بر یک بیانیه سرد و بی‌روح پزشکی بود؛ پارگی در چه دو در عضله همسرتینگ (بوسپس فموریس) پای چپ. حکم صادر شد؛ پایان فصل برای لامین یامال. این یعنی بارسلونا باید ادامه مسیر قهرمانی‌ها، از جمله ال کلاسیکوی بسیار حساس مهم می‌در نیو کمپ مقابل رئال مادرید را بدون کلیدی‌ترین مهره هجومی‌اش سر کند. گاوکی که خود طعم تلخ ماه‌ها خانه‌نشینی و جراحی را چشیده‌است، از فضای جزا ور رختکن پرده برداشت: «برای من لامین بهترین است. او در رختکن به شدت ناراحت و شوکه بود، چون به خوبی می‌داند چقدر برای ما حیاتی است.» این مصدومیت تنها از دست دادن یک بازیکن نیست؛ از دست دادن نبض تیمنده تیمی است که به باهای جادویی این نوجوان وابسته شده بود.

اما شاید دردناک‌تر از غیبت در بازی‌های باقیمانده لالیگا، سایه شومی باشد که بر سر تیم ملی اسپانیا و جام جهانی ۲۰۲۶ افتاده‌است. اسپانیا، مدافع عنوان قهرمانی یورو، رویای فتح دوباره جهان را با محوریت یامال در سر می‌پروراند. حالا، با شروع مسابقات و اولین بازی مرحله گروهی گروه (H) مقابل کی‌سپ و در ۱۵ ژوئن و سپس تقابل با عربستان و اروگوئه، زمان به بی‌رحم‌ترین دشمن یامال تبدیل شده‌است. دکتر ریبول و متخصصان برجسته پزشکی ورزشی صراحتاً هشدار داده‌اند که در

